

افتراقات دیوبندیہ حیاتی و مماتی در جنوب شرق ایران



بیست و هشتمین کرسی از کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی با حضور و ارائه جناب دکتر جواد بامری، فعال حوزه تقریب در جهان اسلام با موضوع «افتراقات دیوبندیہ حیاتی و مماتی در جنوب شرق ایران» در روز شنبه هجدهم دی‌ماه ۱۴۰۰ در پژوهشگاه مطالعات تقریبی قم برگزار گردید.

دکتر جواد بامری در ارائه خود ابتدا متذکر شدند که دیوبندیہ از نظر تاریخی، قدمت زیادی ندارد و ترویج آن به اواخر قرن سیزدهم برمی‌گردد. هسته اولیه تشکیل دیوبندیہ از یک مدرسه دینی در هند شروع شد و پایه‌گذار اندیشه و تفکر آن «شاه ولی‌الله دهلوی» است که در الهیات و علوم انسانی صاحب نظر و متبحر بوده و از بزرگان دینی و مبلغان مذهبی حنفیہ شمرده می‌شود. وی معتقد بود که اسلام، روح اصیل خود را در منطقه از دست داده است و به همین خاطر، حرکت و جنبشی به پا کرد تا جریان نوینی را در اسلام به وجود آورد. اولین مرکز مهمی که دیوبندی‌ها ایجاد نمودند، دارالعلوم دیوبند در شمال هند به وسیله مولوی محمدقاسم نانوتوی پایه‌گذاری گردید.

در آن برهه، طلاب اهل سنت سیستان و بلوچستان برای تحصیل به حوزه‌های شبه‌قاره می‌رفتند چراکه دارالعلوم دیوبند و مدارس وابسته به آن نسبت به مدارس سنتی سیستان و بلوچستان، پیشرفته‌تر بودند و امکانات بیشتری داشتند، طلاب بعد از فارغ‌التحصیل شدن در مدارس دیوبند شبه‌قاره، به ایران برمی‌گشتند و این تفکر را در جنوب شرق ایران، تبلیغ کردند.

دکتر بامری در ادامه گفتند که امروزه بیشتر اهل سنت سیستان و بلوچستان، فرقه دیوبندی هستند که به دو دسته تقسیم میشوند: «دیوبندی حیاتی و دیوبندی مماتی». تحقیقات نشان می‌دهد که هفتاد درصد دیوبندیها تفکر حیاتی دارند و سی درصد دیوبندیها، مماتی هستند. دیوبند مماتی معتقد است هیچ ارتباطی بین ما و اولیای الهی وجود ندارد یعنی: «توسل، استغاثه به اولیای الهی، کمک خواستن، تبرک و سفر برای زیارت قبور» همه اینها بدعت یا شرک است؛ بیشتر دیوبندیها در ایران مانند: مولوی عبدالحمید، مولوی بدری، مولوی قلندر زهی، دارای گرایش مماتی هستند، و افرادی مثل مولوی عبدالصمد ساداتی و مولوی عبدالرحمن سربازی دارای گرایش حیاتی هستند که در ایرانشهر، سراوان و چابهار سکونت دارند.

ارائه‌کننده محترم ادامه دادند که بنا بر تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده با علمای دیوبندی بیشتر اهل سنت در سیستان و بلوچستان گرایش مماتی دارند و علمای مماتی، تبلیغ گسترده‌ای در بین مردم برای نشر عقائد خودشان کردند تا حدودی هم موفق شدند اگرچه عموم مردم این چیزها را نمی‌دانند چون به زبان اسلام صحبت می‌کنند و از دیوبندیها، اطلاعی ندارند. دیوبندی حیاتی کسانی هستند که: «توسل، تبرک، استغاثه، نذر و...» را قبول دارند. این گروه، توسل به انبیا و اولیا را در کنار قبورشان، جایز و صحیح میدانند و معتقدند که ملائکه (صلوات ا علیهم) سلام و صلوات ما را همواره به رسول (صلی الله علیه و آله) میرسانند و هیچ دلیلی برای تحریم آن وجود ندارد و نذر را قبول دارند البته اگر در مکان و زمان معینی انجام گردد آن را باطل می‌دانند. به صورت کلی با این مباحث اختلافی ندارند اگرچه در مواردی برای توسل و تبرک و... شروطی را وضع کردند.

این فعال عرصه تقریب در بیان اختلاف دیوبندی حیاتی و مماتی در بحث توحید و شرک گفتند که گرایش حیاتی قائل به تأثیر از قبور و اهل قبر، به ویژه از اهل باطن و امکان کسب فیض از آنها هستند. اما گرایش مماتی چنین تأثیری را نمی‌پذیرد و خطاب کردن به مرده را عملی ناشایست میدانند.

دیوبندی حیاتی، زیارت قبور برای مردان، را مستحب میدانند، بار سفر بستن برای زیارت قبور را جایز می‌شمرد ولی دیوبند مماتی، سفر برای زیارت قبور و زیارت قبور توسط زنان را نفی میکند و در مورد

زیارت زنان معتقدند که نامحرمان آنها را می‌بینند و این کار کوشش بیهوده‌ای است.

دکتر بامری در ادامه گفتند که در بحث توحید و اسماء و صفات الهی، دیوبندی حیاتی و مماتی به توحید در الوهیت تأکید دارند و دیوبند حیاتی مانند صمدانی فر، محمد عمر سربازی و عبدالرحمن سربازی سعی می‌کنند صفات خبریه را تأویل ببرند، البته ممکن است نظر شاذی هم در این مورد وجود داشته باشد، ولی همه در بحث رؤیت خداوند، قائل به دیدن با چشم سر هستند در این مورد به تأویل قائل نیستند بلکه دیدن با چشم طاهر را قبول دارند.

ایشان در بیان نگاه دو فرقه به مقام پیامبران فرمودند که دیوبند حیاتی مانند ارجمندی و دهقانی، پیامبران را برترین بندگان الهی و دارای کمالات میدانند و آنها را از زمان تولد معصوم میدانند، ولی دیوبند مماتی مانند توحیدی در بحث سهو نسیان دارای اختلاف و فهم نادرست شدند که آن را نوعی لغزش فکری میدانند و عصیان و گناه به شمار نمی‌آید.

در بحث علم غیب هر دو گرایش در سیستان و بلوچستان آن را منکر می‌شوند. هیچ نوعی از علم غیب پیامبران را قبول ندارند و امدادهای غیبی را معجزه و کرامت می‌دانند محمد عمر سربازی قائلین به علم غیب را کافر می‌دانند. با این که علمای شبه‌قاره، علم غیب برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را می‌پذیرفتند. دیدگاه علمای سیستان و بلوچستان در بحث انکار علم غیب برای پیامبران مشترک است و علم غیب را مختص خداوند می‌دانند و هیچ پیامبری یا رسولی از علم غیب، خبر ندارد.

دکتر بامری در باب سماع موتی گفتند دیوبند حیاتی، قائل به امکان شنیدن توسط مردگان هستند و معتقدند که انسانها پس از مرگ و در عالم برزخ صدای زندگان را می‌شنوند و پاسخ آنان را میدهند، اما انسانها به علت محدودیت مادی، قدرت شنیدن آن را ندارند و معتقدند اموات صدای زائران خود را شنیده و آنها را می‌بینند. دیوبند مماتی، قائل به نفی مطلق سماع موتی شده‌اند. معتقدند میان عالم برزخ و دنیا هیچ ارتباطی وجود ندارد و انسان هنگامی که از دنیا می‌رود ارتباطش با عالم دنیا قطع می‌گردد؛ بنابراین خواندن اموات و به زیارت رفتن آنها و طلب حاجت از آنها فایده‌ای ندارد.

ایشان در بیان خود حیات برزخی را از نگاه دو طیف دیوبندیه ترسیم کرده و گفتند که دیوبند حیاتی برای همه اموات به تناسب حالشان حیات برزخی وجود دارد ولی حیات پیامبران عنصری است و با زندگی دنیوی آنها فرق ندارد چون سلام به آنها می‌دهیم جواب سلام را می‌دهند و در قبر عبادت می‌کند برای امت، دعا و طلب شفاعت می‌کند. گرایش مماتی، حیات عنصری پیامبران را قبول ندارد. آنها می‌گویند:

توسل و استغاثه به مردگان جایز نیست چون ارواح انبیا و اولیای الهی قادر به شنیدن صدای زندگان نیستند و در عالم برزخ بیخبر از احوال زندگان به سر می‌برند و در اعلیٰ علیین هم روح در بدن پیامبران وجود ندارد.